

نگاهی به پیشینه لوطی‌گری و خاستگاه و کارکرد لوطیان از گذشته‌های دور تا روزگار معاصر؛ گفت‌گو با ویلم فلور، ایران‌شناس هلندی

لوطی‌گری، لوطیان و زیست اجتماعی در تاریخ ایران

◀ عیاری، بازمانده جنبش‌های اجتماعی دوره ساسانی است ▶ نگاه منفی به لوطیان در تاریخ ایران پررنگ‌تر است



◀ یک دروش در دوره قاجار، عیاری، آنتوان سورنول

ماهرخ ابراهیم‌پور ابرخی پدیده‌ها در تاریخ ایران، هیچ‌گاه جاذبه خود را از دست نمی‌دهند. آن‌ها گاه جناب، گاه شگفتی آور و گاه اسرار آمیزند. لوطی‌گری و لوطیان از جمله مسایل پیچیده تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. شرق‌شناسان و ایران‌شناسانی بسیار به پدیده‌ها و مسایل گوناگون تاریخ پرداخته‌اند. درباره لوطیان مطالبی فراوان تاکنون نوشته شده است که بخشی از آن‌ها به کوشش‌های پژوهشگران غیر ایرانی بازمی‌گردد. اما گونه‌نگاه، تحلیل و دریافت آن‌ها به این پدیده باعث شده است که پژوهشگران ایرانی نیز بخواهند روایت خود را بازتاب دهند. نگارش شرق‌شناسان و ایران‌شناسان به مسایل ایران گاه با یک کلی‌نگری همراه می‌شود، گاه به دلیل نداشتن اطلاعات عمیق با سوء تفاهم همراه است. گاه نیز به دلیل نداشتن شناخت کافی از جزئیات تاریخ اجتماعی ایران نظریه‌ها یا تئوری‌هایی مطرح می‌کنند که در ظرف ایران نمی‌گنجد. آنان اما گاه از در پیچه‌هایی نوباظر افت و ریزبینی به تاریخ ایران به ویژه در حوزه اجتماعی نگر بیست‌هاند که بسیاری از پژوهشگران و تاریخ‌نگاران ایرانی بدان‌ها توجه نداشته‌اند.

در میان ایران‌شناسانی که علاقه‌مندان به مطالعه و پژوهش درباره ایران پرداخته‌اند، به ویلم فلور، پژوهشگر، تاریخ‌نگار و نویسنده هلندی می‌توان اشاره کرد. او سال‌های پیاپی درباره تاریخ اجتماعی، اقتصادی و هنری پژوهیده و تالیف‌هایی پربرای منتشر کرده است. این آثار در بسیاری از موارد زمینه پژوهش‌های بعدی پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی را در پی آورده‌اند. ویلم فلور از سال ۱۹۸۳ میلادی در بانک جهانی به عنوان کارشناس انرژی مشغول بوده و با مسایلی چون برق‌رسانی به روستاها، انرژی توده آبی، انرژی‌های جایگزین و تجدیدناپذیر سروکار داشته است. وی در زمینه پیشرفت اقتصادی، جامعه‌شناسی، زبان‌های فارسی و عربی در دانشگاه او ترخت هلند دانش‌آموخته و درجه دکتری خود را در جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدن گرفته است. وی اکنون بر تاریخ ایران دوره صفوی متمرکز شده است. «جزیره خارک طی قرون»، «تاریخ کرمانشاه»، «تاریخ بیمارستان‌ها در ایران»، «صنایع پارچه‌بافی ایران» و «بهادهای دربار و حکومت صفوی» در دسته آثار و تالیف‌های جدید فلور جای می‌گیرند. او پیش‌تر کتابی از ژرمن نیز با نام «سلامت مردم در ایران قاجار» نگاشته است. «گذری به تاریخ لوطی» یک مقاله مهم از این پژوهشگر بر جسته تاریخ ایران به شمار می‌آید که ما را به دنیای اسرارآمیز این دسته از ایرانیان در گذشته‌های دور تا روزگار معاصر می‌برد. پیش‌تر با رضامختاری اصفهانی که پژوهشی درباره لوطیان را در دست انتشار دارد، گفت‌وگو کردیم. این پژوهشگر در آن گفت‌وگو به برخی نظریات فلور اشاره داشت. حضور ویلم فلور در ایران، زمینه‌های مناسب فراهم آورد تا بتوانیم با این ایران‌شناس پرآوازه در این باره گفت‌وگو کنیم و به دنیای لوطیان راه بریم.

واژه لوطی در تاریخ ایران چه معناهای با خود همراه داشته است؟ آیا می‌توان ریشه آن را به مساله یا پدیده‌ای مشخص در گذشته رساند؟

پدیده لوطی‌گری و فرهنگ عیاری، در گذشته تاریخ یکجانشینی و شهرنشینی در ایران پیشینه‌ای دراز دارد. جماعتی بسیار در تاریخ ایران زمین، دعوی صفت پهلوانی داشته‌اند؛ آنان گاه نیز نهادهای اجتماعی برپا کرده‌اند اما در رستی یا نادرستی مداخله‌ای آنان را بر گاه‌های پرشمار تاریخ نشان می‌دهند. عیاران، شطاران، شاطران، یباشمل‌ها و دانش‌مندی‌ها، همگی از این مدعیان‌اند. واژه لوطی نخستین بار توسط کسایی، شاعر سده چهار قمری به کار رفته است. او لوطیان را با شاهدان زیبارو برابر دانسته است. واژه لوطی در شعرها جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) و عبیدزاکانی، مفهوم به‌جهاز را به ذهن می‌رساند و بسیار در افواه رایج بود. چنین معناهای منفی جنسی



البته در همه متون فارسی برای این واژه به کار نمی‌رفته است، هر چند برخی تعبیرها هشدار می‌داد، لوطیان در مرادهای بازرگانی قابل اطمینان

نستند. ناصر خسرو سده‌ها پیش‌تر از مولوی و عبید، واژه لوطی را در معنای می‌گسار، طار و دلال روسپی به کار گرفته است. واژه لوطی باز به همین دلیل در دوره معاصر به معنای فریب‌به‌ویژه در مسایل مالی رایج بوده و لوطی کردن، به یادآورنده کارهایی چون ولخرجی و اسراف است. لوطی احتمالاً در سده شانزدهم میلادی و پیش از آن در ایران، به فقیران، بی‌نویان و شبه درویش‌هایی معر که گیر گفته می‌شده است که مسکرات می‌نوشیدند. لوطی همچنین به تلخ‌کردن دربار شاه‌زادگان، دوره‌گردانی که با بندبازی، رقص و لودگی نمایش کم‌دی اجرا می‌کردند یا کسانی که به حیوانات به ویژه میمون‌ها، خرس‌ها یا بزها، هماهنگ با موسیقی و آواز می‌رقصیدند، گفته می‌شد. این عبارت در سده نوزدهم میلادی برای راهنمایی نیز به کار می‌رفت که به شیوه‌ای رهن‌بوی گونه و در قالب گروه‌های عیاران، گاه درویش‌ها را به چالش می‌کشیدند. آن‌ها افزون بر این سلاحی محکم برای حمایت از اشراف محلی به شمار می‌آمدند. گروه لوطیان البته به جز این تصویرهای ضد اجتماعی، به لوطی‌گری، جوان‌مردی، فتوت و مردانگی نیز مشهور بودند. از این رو عبارت «لوطی‌خدایی» و «لوطی‌الهی» با اعمال خداجویانه آن‌ها پیوند داشته است. ریشه حقیقی واژه لوطی اما مشخص نیست؛ هر چند گاه معنای زندگی بی‌بندوبارانه همراه با قماربازی، باده‌خواری و لواط را در

رادر برداشت. احتمال بعید دیگر درباره ریشه واژه لوطی این است که آن‌ها را به واژه فارسی لوت به معنای غذا و ماکولات متناسب کنیم که در این صورت لوطی به فرد شکم‌پرست و حریص اطلاق می‌شود.

چه دغدغه‌های موجب شده است شما به حوزه بررسی و پژوهش لوطیان علاقه‌مند شوید؟
یک پژوهشگر آلمانی مقاله‌ای در این باره نوشته بود که به نظر من آلمانی داشت. من پس از خواندن مقاله به خود گفتم اینگونه نبوده است. مثل این بود که پژوهشگر منابع را خوب نمی‌شناخت. گرچه اطلاعاتی بسیار سودمند در مقاله آمده بود اما به این ضعف داشت. چنین شد که به قلم دست بردم و مقاله‌ای نوشتم تا نشان دهم لوطیان گروه‌هایی گوناگون بودند. یک دسته از آنان در کتاب «انتری که لوطی‌پش مرده بود» نوشته صادق چوپک نشان داده می‌شود. وی در این کتاب به یک لوطی می‌پردازد که بازی می‌کند تا تفریحی برای مردم ایجاد کرده باشد. این لوطی، انتری دارد که با آن حرکت‌هایی شاد و مفرح برای مردم به نمایش می‌گذارد. لوطی با یک حیوان و تنبک مردم را می‌خنداند. دسته دوم، گروه‌هایی بودند که با نمایش‌های روحی و اجرای نمایش طنز به وضع سیاسی یا اجتماعی انتقاد می‌کردند. گروه سوم، کسانی بودند که پیش‌تر در خدمت رجال سیاسی یا مذهبی می‌آمدند و گاه به حرکت‌های خشن دست می‌زدند و به یک معنا می‌توان گفت چاقوکش یا اوپاش بودند. از اینگونه افراد حتی تا سده بیستم میلادی نیز

استفاده می‌شد، یعنی در دوره ملی شدن صنعت نفت هر دوسوی ماجرا از این گروه لوطیان سود جستند. **منظور تان این است که هواداران صدق هم از لوطیان بهره می‌برند؟ به چند نفر از این افراد اشاره می‌کنید؟**

بها هر دو سوز از لوطیان بهره جستند. مظفر بقایی در گروه صدق با برخی از لوطیان ارتباط داشت و آن‌ها را در جریان مبارزه به کار گرفت. اینگونه لوطیان، اوپاشی بودند و گرچه در محله خود رفتاری خوب داشتند اما در مناطق دیگر رفتارهایی بد بروز داده و مردم را آزار و اذیت کرده، حتی باج می‌گرفتند. به این دلیل به آن‌ها چاقوکش می‌گفتند که وقتی رجال در نزاعی درگیر می‌شدند از آن‌ها به عنوان چاقوکش بهره می‌گرفتند یا اگر می‌خواستند از شر کسی آسوده شوند باز هم به بهره‌گیری از این لوطیان چاقوکش استفاده روی می‌آوردند. در همین رابطه یک گروه با داستان بسیار جالب در دوره ناصرالدین شاه بود که می‌گفتند، در قزوین یک تاجر ثروتمند زندگی می‌کرد که وارثی نداشت. ثروت او پس از این که درگذشت، باید به بیت‌المال می‌رسید اما در این میان دو گروه با بهره‌گیری از لوطیان چاقوکش کوشیدند این ثروت را به چنگ خود درآوردند. چاقویشان یک گروه در این میان بر گروه دیگر مسلط شدند و ثروت آن تاجر در گذشته را بردند. هدفم از یادآوری این داستان آن بود که بگویم لوطیان در گذشته در زندگی مردم تاثیر بسیار داشتند و نمایش اجرامی کردند.

اگر بخواهیم به پدیده لوطی‌گری تنها به ایران محدود و منحصر نمی‌شود، که در دیگر سرزمین‌های خاور میانه مانند کشورهای عربی و ایران وجود دارد؟

نگاهی متفاوت به این گروه وجود دارد؛ آنان معتقدند به دلیل نوع شریایطی که حاکم بوده و فراز و فرود دوره صفوی، آن‌ها به سبب سوءاستعمال مواد مخدر نیز می‌روند؟

روایت‌هایی گوناگون نیز از حضور لوطیان در دوره صفویه وجود دارد. اسکندربیک منشی در کتاب «تاریخ عالم‌آرای عباسی» با اشاره به شهر تبریز می‌نویسد «مردم در تبریز تظاهرات کردند و اوپاش در این آشوب شهر را به هم ریختند». اسکندربیک به موجب این وصف لوطیان را اوپاش خطاب می‌کند البته تنها اوپاست که

به آن فتیان می‌گویند. این گروه در یک دوره هر چند عیار نامیده می‌شود اما عیار همیشه یک اصطلاح گسترده بوده است که معنای آن در گذر زمان دگرگون می‌شود و تعیین گستره آن مشکل است؛ صفت «عیار» گاه

مشکل است

مشکل است

با توجه به تحقیقاتی که تاکنون داشته‌اید لوطیان در طول تاریخ در اجتماع و سیاست چه رویکردی داشتند. ارزیابی شما از نقش آن‌ها در سیاست و اجتماع چیست؟

این که به درویش‌های خاکسار به وابسته بودند، یک وجه تمایز با آن‌ها داشتند؛ از پوششی بهتر و زیباتر و اشیایی آرام‌آور مانند زنجیر یزدی، کاسه برنجی، دستمال گردن ایریمشی کاشانی و چاقوی اصفهانی و همچنین اقدام غیر لازمی مثل گیوه وشال استفاده می‌کردند.

لوطیان، سرگرمی‌های ویژه خود را داشتند؛ کبوتربازی، جنگ خروس‌ها و فوج‌ها، مبارزهای بدنی و قمار در دسته آن‌ها به شمار می‌آمد. آن‌ها همچنین از گونه‌های زبان ویژه میان خودشان بهره می‌جستند. لوطیان محله‌های گوناگون شهر مسابقه‌هایی دوستانه در زورخانه برگزار می‌کردند. این افزون بر نزاع‌های خیابانی بود که در نتیجه وابستگی به یکی از طریقت‌های حیدری یا نعمتی پدید می‌آمد که جامعه شهری را به دو نیم تقسیم کرده بود و در پیوندشان با سیاستمداران محلی ریشه داشت. لوطیان، باتوق‌هایی همیشگی برای می‌خواری و می‌گساری، قماربازی و سرگرمی‌های دیگر داشتند. آنان همچنین مکان‌های ویژه همچون اسام‌زاده داوود را در تهران برای مراسم مذهبی خود

شده است. معر که‌گیری دوره گرد که در سده نوزدهم میلادی به طریقت وابسته بودند، عموماً به عنوان لوطی نیز شناخته می‌شدند. هفده صنف مقدس در مرکز سلازمان معنوی فرقه خاکسار به وجود داشت که گاه نیز صنف لوطی در آن فهرست مشاهده می‌شود. لوطی‌ها در سده نوزدهم میلادی زیر نظارت لوطی‌باشی بودند که از سوی شاه بر گزیده می‌شد. لوطی‌باشی ده تا پانزده درصد درآمد لوطیان را در ازای تأمین حمایت مناصب حکومتی از فعالیت‌ها و نمایش‌هایشان می‌گرفت و این گونه به نظر می‌رسد که در هر شهر بزرگ یک یا چند لوطی‌باشی وجود داشته است. نقیب‌الممالک در این زمان تنها مسئولیت فرقه خاکسار به و درویش‌های عجم را برعهده داشت. گروه دوم لوطی، به واسطه عیاران شهری شکل گرفت. آن‌ها به اعضای فرقه فتوت وابسته بودند و هیچ‌کس هیچ چیز جز مرادم جوان‌مردی تسلیم نبودند. آن‌ها به عبارت دیگر، در زندگی خود کمک به دیگران و دفاع از همسایگان و شهر را بر خود واجب می‌دانستند. ایشان به نام‌های گوناگون از جمله لوطی و داش‌مشتی خوانده می‌شدند و با وجود

آیا لوطیان را برخاسته از قشر یا بین‌جامه می‌دانید؟

در نگاهی که تاکنون به تاریخچه حضور لوطیان داشته‌ام، در یافته‌ام طبقه ضعیف جامعه، خاستگاه آن‌ها بوده است. این خاستگاه اما تنها در دوره قاجار با یک دگرگونی اندک همراه می‌شود؛ بدین ترتیب که می‌بینیم برخی از بازرگانان، حتی شاهزادگان قاجاری نیز به آنان می‌پیوندند. اما بسا این وجود اگر بخواهیم بگوئیم لوطیان چه در کار کرد مثبت چه منفی، به چه بخش و طبقه در جامعه ایرانی تعلق داشتند، باید تصریح کنیم آن‌ها از قشر فقیر جامعه برخاسته بودند و برای دگرگونی در وضع خود به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها روی آوردند و برخی نیز در این میانه بر حسب مشاغل که از راه آن‌ها روزگار می‌گرفتند، در رسته لوطیان جای می‌گرفتند.

برگزیده بودند. این جماعت در سراسر ماه‌های محرم و صفر، نقش‌های اصلی را در دسته‌های عزاداری و نوحه‌خوانی برعهده داشتند. فراگیری کشتی در زورخانه و کشتی‌گیر شدن، در گذشته ایدال داش‌مندی‌ها بود. پیشرفت در این گروه‌ها در گرو برتری در سلوک جوان‌مردی، مهارت‌های شعری و رقابت‌های ورزشی بود. شبایسته‌ترین لوطیان آن‌هایی بودند که می‌کوشیدند آرمان‌هایی را بین‌هودگونه در سر برورارند و از آنگونه کارها انجام دهند؛ جوان‌مردی به معنای سرمشق در دو جنبه روحی و جسمی بود. آنان ناچار بودند مواردی چون راست‌گویی، عمل و تعهد حتی در صورتی که مورد عاقبت‌شان نباشد، خردمندی، بخشندگی و حفظ استقلال فکری را در زندگی رعایت کنند. این دسته به سبب لوطی‌گری و شجاعت‌شان مورد احترام عمیق هم‌محله‌ای‌های خود بودند. دزدان آدم‌کشان نیز در برابر لوطیان، فروتنی و تواضع داشتند و از برخورد با ایشان بهریز می‌کردند. صادق هدایت، چنین صفت‌ها و ویژگی‌هایی را در داستانی کوتاه به نام «دانش‌آکل» گنجانده است.